

A Study of the Mechanisms of Human Rights Treaties and their Problems¹

Samira Rostami Jalilian¹, Seyed Baqer Mirabbasi²

¹ Ph.D. Student, Department of International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. samira.rostami.j@gmail.com

² Professor, Department of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author). mirabbasi@ut.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to answer this question: Are there any challenges or problems in the mechanism of treaties monitoring the implementation of human rights' documents? The research method is descriptive-analytic and the results indicated that there are some challenges and problems in the mechanism of institutions based on international treaties. It is not possible at all to replace national measures with international mechanisms for standard implementation of human rights. It should be executed in the national and local level because the mechanism of institutors relying on international treaties has some challenges and faults which require ongoing efforts to be solved. Therefore, the improvement of these institutions can be regarded as one of the most important strategies.

Keywords: Human Rights Treaties, International Rights, International Treaties.

1. **Cite this article:** Rostami Jalilian, S. & Mirabbasi, S.B. (2023). A Study of the Mechanisms of Human Rights Treaties and their Problems. *Iranian Political Research*, 10(1): 91-108. DOI: 10.22034/sej.2022.1948145.1417

Received: 2022/02/03 ; Received in revised form: 2022/02/20 ; Accepted: 2022/02/25 ; Published online: 2023/03/25

© The Author(s).

Publisher: Qom Islamic Azad University



بررسی سازوکارهای نهادهای معاهداتی حقوق بشر و مشکلات پیش روی آنها^۱

سمیرا رستمی جلیلیان^۱، سید باقر میرعباسی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

samira.rostami.j@gmail.com

^۲ استاد، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mirabbassi@ut.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که آیا می‌توان بر سازوکار نهادهای مبتنی بر معاهدات نظارت بر اجرای اسناد حقوق بشری، چالش‌ها و ایراداتی را مطرح کرد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که بر سازوکار نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی، چالش‌ها و ایراداتی وارد است. به هیچ‌وجه این امکان وجود ندارد که بتوان برای اجرای استاندارد حقوق بشری، سازوکارهای بین‌المللی را جایگزین اقدامات ملی کرد. اجرای حقوق بشر می‌بایست در سطح ملی و محلی باشد؛ چرا که سازوکار نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی دارای چالش‌ها و ایراداتی هستند که تلاش بی‌وقفه جهت رفع آن را طلب می‌کند. از این‌رو، تقویت این نهادها را می‌توان یکی از مهم‌ترین راهکارها در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: نهادهای معاهداتی حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، معاهدات بین‌المللی.

۱. **استاد به این مقاله:** رستمی جلیلیان، سمیرا؛ میرعباسی، سید باقر (۱۴۰۲). بررسی سازوکارهای نهادهای معاهداتی حقوق بشر و

مشکلات پیش روی آنها. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۱): ۹۱-۱۰۸. DOI: 10.22034/sej.2022.1948145.1417

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

© نویسنده‌گان. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

یکی از اولین مطالبات شهروندان در هر نظام سیاسی، برخورداری و دسترسی به حقوق بنیادین است. دستیابی به این حقوق خود از سوی شهروندان از وظایف دولت است؛ و اصولاً در قالب «قانون» نمایانگر می‌شود. در همین راستا «حقوق شهروندی» مطرح می‌شود، که خود را در چارچوب اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی با عنوان «حقوق بشر» نشان می‌دهد. بنابراین، حقوق شهروندی، در لوای قانون و حوزه رسمی تصمیم‌گیری، در حوزه ملی ضمانت اجرا پیدا می‌کند؛ که هم دارای جایگاه ارزنده‌ای است و هم چالش‌ها و محدودیت‌های مخصوص به خود را دارد. مثلاً حقوق شهروندی در انجام اجتماعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج شده و هم با قید عدم اخلاف به مبانی دینی، در نظر گرفته شده است؛ لکن در حقوق بشر موضوع به گونه‌ای دیگر است.

تعهدات دولت‌ها در کلیه اسناد بین‌المللی حقوق بشری، به وضوح آمده است. برای نمونه، می‌توان به میثاقین (۱۹۶۶)، که اولین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی است و دومین پروتکل آن، پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد؛ تنظیم اسناد دیگری بین دولت‌ها همچون: کنوانسیون سازمان بین‌الملل کار در حوزه ممنوعیت تبعیض در استخدام کارگران، کنوانسیون مربوط به کار زنان در شب، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون ممنوعیت ژنو سایید (ژنوسید)، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و هر رفتار یا مجازات خشن غیرانسانی و تحقیرکننده، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و ده‌ها سند بین‌المللی دیگر، بیانگر توجه به مسئله حقوق بشر است.

نهادهای معاهداتی حقوق بشری و نهادهای مبتنی بر منشور، دو قسم از سازوکارهای سازمان ملل متحد، برای حمایت از حقوق بشر است. معاهدات حقوق بشری عبارتند از: کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض نژادی، میثاق حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده آنها (که به تازگی لازم‌الاجرا شده است)، کمیته حقوق بشر، ناپدید شدگی اجباری، کنوانسیون حقوق معلولین. این نهادها، گزارش‌های دوره‌ای کشورهای و بعضاً شکایات فردی را بررسی می‌کنند یا در مواردی، به تفسیر مفاد و حدود معاهدات می‌پردازند. به اسنادی که براساس این فعالیت‌ها صادر می‌شوند، «یافته‌های معاهداتی» گفته می‌شود که عبارتند از: ملاحظات نهایی، نظرات نهایی و تفاسیر عمومی؛ این سه گروه، «یافته‌های مبتنی بر معاهدات» نامیده شده‌اند.

۲. بیان مسئله

نهادهای معاهداتی، به عنوان مجموعه‌ای با کارشناسان مستقل شناخته می‌شوند. هدف این نهادها، نظارت بر دولت‌ها جهت اعمال تعهدات بین‌المللی و اجرای این معاهدات از سوی آنان است. لازم به ذکر است، اجرای تعهدات مزبور از سوی دول با گزارش‌های آنان به وسیله سازمان‌های غیردولتی ارتباطی مستقیم دارد. در سال ۱۹۷۶، کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته حقوق بشر» با هدف نظارت بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی تأسیس گردید. دول عضو کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ملزم به ارائه گزارش منظم به کمیته هستند. بدین صورت که ابتدا یک سال پس از تصویب کنوانسیون می‌بایست، گزارش خویش را به کمیته خاص، تقدیم نمایند. کمیته مزبور بر اساس ماده ۴۱ حقوق مدنی- سیاسی، صلاحیت دریافت شکایات بین دولتی را دارد. همچنین بر اساس پروتکل اول الحاقی به میثاق، این کمیته نسبت به تحویل شکایات فردی در حوزه ادعای نقض مفاد میثاق توسط کشورهای عضو، مؤظف است. این کمیته متشکل از ۱۸ عضو است که در طول یک سال، چهار مرتبه و طی سه هفته، به تشکیل جلسه مبادرت می‌ورزند؛ دو جلسه در ژنو و دو جلسه در نیویورک. کمیته همچنین تقاسیر خویش از مقررات حقوق بشر در زمینه روش کارش را انتشار می‌دهد. به عبارت بهتر، کمیته مؤظف است که به ارائه تفسیر خود از فحوای مقررات حقوق بشر، که به عنوان نظرات عمومی درباره مسائل موضوعی و روش‌های آن شناخته می‌شود، اقدام کند. در حقیقت، برخلاف مشکلات نهادهای نظارتی مبتنی بر معاهدات از جمله: عدم همکاری لازم تمامی کشورها با آن، سرباز زدن تعدادی از کشورها جهت تسلیم و دفاع از گزارشات ادواری خود به نهادهای مذکور به‌رغم عضویت در آن، یا ارائه گزارشات با تأخیرهای طولانی مدت خود به آنها، یو.پی.آر^۱ توانسته است، تا حدود زیادی این مشکلات را مرتفع سازد؛ به طوری که از زمان تأسیس آن تاکنون، به‌ندرت و تنها در چند مورد خاص با عدم همکاری یا عدم گزارش‌دهی کشورهای جهان روبه‌رو شده است (Bavishi, 2012).

۳. پیشینه پژوهش

ذاکریان و مختاری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکارهای رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر»، نشان دادند که یکی از فعالیت‌های شورای حقوق بشر که با تأسیس آن از سال ۲۰۰۶ میلادی گسترش یافته،

تحقق رویه‌های ویژه است. این فرایند، نام کلی سازوکارهایی است که کمیسیون پیشین حقوق بشر آن را تدوین و شورا، انجام آن را تقبل نموده است؛ تا از کارشناسان حقوق بشر برای بررسی، واکاوی و نظارت بر وضعیت حقوق بشر در کشورها یا سرزمین‌های معین (مأموریت‌های کشوری) استفاده نماید، یا پدیده‌های مهم نقض حقوق بشر بر جهان (مأموریت‌های موضوعی) را، نظارت کند.

هاشمی (۱۳۹۰)، پژوهشی در تحت عنوان «ایجاد سازوکارهای بین دولتی حقوق بشری، بررسی فعالیت‌ها در حوزه اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد»، به بررسی گزارش‌های ادواری، رسیدگی بازرسان و اقدامات شبه قضایی در این زمینه می‌پردازد.

راعی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی و فقه»، معتقد است که رویکرد نظام حقوق اسلامی ضمن پذیرش سازوکارهای بیرونی، تکیه خود را بر ابزارهای درونی همچون عدالت، خداباوری و فرجام باوری، قرار داده است؛ چراکه بدون توجه به شرایط درونی حاکمان و مدنظر قرار دادن مباحث اخلاقی، نمی‌توان از رویکرد ابزارانگارانه به انسان و یا برخورد سیاسی با مسئله حقوق بشر دور ماند.

اسکوچر و الیور^۱ (۲۰۱۰)، در کتابی بیان می‌دارند که صلاحیت اصلی نهادهای نظارتی، دریافت گزارشات دولت‌ها در رابطه با اجرای معاهدات حقوق بشری است که این نهادها بر اجرای آنها نظارت دارند و اتخاذ ملاحظات نهایی و به‌طور کلی سایر اختیارات این نهادها در مقایسه نقش کم‌تر و یا حتی می‌توان گفت ناچیزی را، ایفا می‌کنند.

نیومن و فرانک^۲ (۱۹۹۱)، در پژوهشی اشاره دارند که کمیته حقوق بشر از هجده عضو که دارای شخصیت والای اخلاقی و صلاحیت شناخته شده در زمینه حقوق بشر هستند، برای یک دوره چهارساله به‌وسیله رأی مخفی در جلسه‌ای با حضور دولت‌های عضو برگزیده شده‌اند و طبق صلاحیت شخصی خودشان عمل می‌کنند.

هلن آپتن^۳ (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای به تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، وظایف، اهداف و ارکان آن، و بررسی دوره‌ای وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف و مکانیسم تعیین گزارشگر ویژه برای کشورهایی که وضعیت نگران‌کننده دارند و بررسی وضعیت و چالش‌های پیش‌روی شورای حقوق بشر، پرداخته است.

-
1. Squatcher & Oliver
 2. Newman & Frank
 3. Helen Upton

۴. اسناد حقوق بشری و نهادهای معاهداتی آنها

عبارت «اسناد بین‌المللی حقوق بشر» در بررسی منابع حقوق بشر، خصوصاً منابع بین‌المللی حقوق بشر افزون‌تر است؛ زیرا منابع بین‌المللی بشر از جمله ضروری‌ترین اسناد بین‌المللی بوده است که به منظور رسمیت دادن به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری تدوین شده و به تصویب رسیده‌اند. از این عبارت می‌توان به نام «اسناد جهانی» نیز یاد نمود. این جریان، عموماً با تدوین و مصوب گشتن اسناد حقوق بشری، به ویژه در بخش اسناد بین‌المللی صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است این اسناد، جزء مهم‌ترین منابع حقوق بشر به شمار می‌آیند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰). این اسناد که به منظور توسعه و حمایت از حقوق و آزادی‌های بشری مصوب شده‌اند، بسیار زیاد و متنوع هستند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (مصوب ۱۹۶۵)
 - میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶)
 - میثاق حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶)
 - کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۹۶)
 - کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار، یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (مصوب ۱۹۸۴)
 - کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹)
 - کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها (مصوب ۱۹۹۰)
 - کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین (مصوب ۲۰۰۶)
 - کنوانسیون حمایت آحاد اشخاص مقابل ناپدیدشدگی اجباری (مصوب ۲۰۰۶)
- قابل ذکر است، پروتکل‌های اختیاری، مکمل برخی از این معاهدات بوده که براساس آن برخی تعهدات اساسی و بنیادین مهم که در معاهده نیامده است، در اینجا مورد اشاره قرار گرفته‌اند (Meernik, 2012, p.46).

هدف از ایجاد نهادهای معاهداتی، راهکاری جهت تشویق دول در اجرای معاهداتشان است. این نهادها، کمیته‌هایی هستند که از کارشناسان مستقل تشکیل شده‌اند، که بر اجرای هر کدام از نُه معاهده اصلی حقوق بشری و پروتکل‌های اختیاری آنها نظارت می‌کنند. امروزه نُه نهاد معاهداتی بر اجرا و عملکرد هر کدام از این معاهدات اصلی حقوق بشری و پروتکل‌های اختیاری آنها نظارت می‌کنند؛ که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد: کمیته‌های رفع تبعیض نژادی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق بشر، رفع تبعیض علیه زنان، کمیته فرعی پیشگیری از شکنجه، حقوق کودک، حمایت از کارگران مهاجر، حمایت از افراد معلول و حمایت از همه افراد در برابر ناپدید شده شدن اجباری.

۵. وظایف نهادهای معاهداتی

اصلی‌ترین وظیفه نهادهای معاهداتی را می‌توان، نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌های زیرمجموعه معاهدات ضروری حقوق بشری تلقی نمود. وظیفه تمامی نهادهای معاهداتی، گرفتن گزارشات ارائه شده به دست دول عضو و سفارشات لازم به دولت‌های عضو جهت عمل به تعهدات است. لیکن برخی علاوه بر این موارد، متعهد به انجام کارهای دیگری هم هستند که در ادامه می‌آید:

- شکایات فردی مورد توجه قرار گیرد؛
- طرح شکایات بین دولت‌ها مورد بررسی و دقت واقع شود؛
- با بازدید از کشورها، ارزیابی و تحقیق انجام گیرد.

۶. گزارش‌ها

وقتی دولتی در یکی از معاهدات حقوق بشری عضو می‌شود، این دولت متعهد به تسلیم نمودن گزارشات ادواری به نهادهای مذکور می‌شود. به گزارش دولت عضو که در زمان‌های معین، می‌بایست به کمیته‌های مربوطه ارائه شود؛ گزارش ادواری می‌گویند. این گزارشات پیگیر اهداف گوناگونی هستند، که می‌توان آنها را در سه دسته به شرح زیر، تقسیم‌بندی نمود:

(الف) نهادهای نظارتی این توانایی را داشته باشند که وضعیت حقوق بشر را در کشورهای عضو دقیقاً مورد ارزیابی قرار دهند و به سنجش و انطباق رفتار دولت‌ها با تعهدات بین‌المللی اقدام کنند. (ب) به دولت گزارش‌دهنده فرصتی داده شود تا ضمن ارزیابی سیستم قانونی و اجرایی، به شناسایی و بررسی نقاط ضعف موجود در رابطه با حقوق حمایت شده در اسناد بین‌المللی بپردازد. (ج) سومین هدف از گزارش‌دهی، آشنایی دیگر دولت‌ها با محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی دول گزارش‌دهنده است، که در اجرای تعهدات خود بر مبنای معاهدات حقوق بشری با آن مواجه هستند. شایان ذکر است، این رفتار به ارزیابی نکته‌سنج و دقیق‌تر دولت گزارش‌دهنده کمک می‌کند (Joseph, 1990, p.20). روند نظارت بر عمل به تعهدات دولت‌ها به وسیله گزارش‌دهی، خود به چند مرحله نیاز دارد؛ هر چند همه نهادهای معاهداتی به طی کردن این مراحل توجهی نمی‌کنند. در ادامه چهار مرحله نظارت بر عملکرد تعهدات دولت‌ها بیان می‌شود:

- (۱) آماده‌سازی گزارش دولت‌ها در مرزهای داخلی،
- (۲) ارزیابی گزارش‌ها در مجمع عمومی،
- (۳) انتشار نتیجه مشاوره‌ها و توصیه‌ها،
- (۴) ارزیابی عملکرد نتایج بررسی‌ها.

۶-۱. شکایات افراد

در این بخش برخی از این نهادها، اقدام به ارائه و اثبات صلاحیت خود در راستای تحویل شکایات فردی در ارتباط با ادعاهای نقض حقوق نموده‌اند؛ که می‌توان به کمیته حقوق بشر، رفع تبعیض نژادی و... اشاره نمود. بر این اساس، این احتمال جاری است که شکایات اشخاص، به صورت جداگانه مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. برای نمونه، کمیته حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، یا کمیته حمایت از اشخاص معلول و همچنین کمیته حمایت از زنان، به پذیرش شکایات فردی براساس پروتکل اختیاری اقدام نموده‌اند. از دیگر سو، کمیته ضدشکنجه مطابق با ماده ۲۲ این کنوانسیون و کمیته رفع تبعیض نژادی، بر اساس ماده ۱۴ کنوانسیون مزبور، تصویب شدند. در تبیین این مسئله لازم است دو شرط اساسی، برای تسلیم شکایات اشخاص علیه کشورها در نهادهای معاهداتی را در نظر داشت، که عبارتند از:

اول: دولت مربوطه مبادرت به تصویب معاهده مورد بحث نموده باشد.

دوم: صلاحیت نهادهای معاهداتی می‌بایست از سوی دولت عضو، به رسمیت شناخته شود.

برخی نهادهای معاهداتی برای طرح شکایات افراد، محدودیت زمانی ویژه‌ای، قائل شده‌اند. برای نمونه، کمیته رفع تبعیض نژادی چنین مقرر داشته است: «شکایات افراد مربوط، پس از پایان شش ماه، از زمان به نتیجه نرسیدن راه‌حل‌های داخلی و بین‌المللی مسموع نیست؛ حتی اگر هیچ‌گونه محدودیتی هم لحاظ نشده باشد، بهتر این است، که شکایات در سریع‌ترین زمان، بعد از به نتیجه نرسیدن راه‌حل‌های داخلی و بین‌المللی ارائه شود». بحث دیگر آن است، که به غیر از اینکه افراد قادرند در این نهادها شکایت خود را مطرح نمایند، اشخاص ثالث هم می‌توانند اقدام به طرح شکایت نمایند؛ البته به نمایندگی از فرد یا افراد و با رضایت کتبی آنان. مثلاً، بر اساس نوع عملکرد کمیته‌ها می‌توان به نمایندگی از افراد، به طرح دعوی پرداخت. این امر مربوط به کمیته ضد شکنجه، کمیته حقوق بشر، کمیته حمایت از زنان، کمیته عدم تبعیض نژادی یا کمیته حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، در صورتی که نهادهای مزبور، یک نهاد شبه قضایی تلقی شوند، باز هم تصور اینکه، توصیه‌ها و تصمیمات آنها الزام‌آور باشد، دور از ذهن است. اما این انتظار می‌رود دولت‌های عضو، توصیه‌ها و تصمیمات نهادها را اجرا و برای شکایات مربوطه، جبران قابل قبولی لحاظ کنند. برای طرح شکایات، شرایطی منظور شده است که در ادامه برخی از آنها، درج می‌شود:

- شکایت از طرف قربانی یا نماینده وی، که با رضایت کتبی همراه باشد؛

- طی نمودن همه راه‌حل‌های داخلی به وسیله فرد شاکی؛

- رسیدگی کردن به شکایت در دیگر نهادهای منطقه‌ای یا بین‌المللی؛
- ممنوعیت طرح شکایت در مواردی که دولت مزبور، نسبت به آن، حق و شرطی قرار داده باشد.

۶-۲. شکایت‌های بین دولتی

شکایت‌های بین دولتی، این اجازه را به دولت‌ها می‌دهد که به طرح شکایت علیه دولتی که نقض جدی در بندهای معاهدات حقوق بشری دارد، اقدام نمایند. اگرچه این روش، مورد بحث و مجادله است؛ اما دولت‌ها تا به امروز این روش را، به علت پیامدهای سیاسی توسل به این‌گونه اقدامات، مورد استفاده قرار نداده‌اند. کنوانسیون‌های مختلف هم به این شکایات اشاره کرده‌اند. عوامل مختلفی موجب توسل به این شرط هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۷. راهکار داخلی

۷-۱. صلاحیت نهادهای معاهداتی

با استناد به کنوانسیون رفع تبعیض نژادی (مواد ۱۱ تا ۱۳) و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۴۱ تا ۴۳)، کمیسیون سازش مخصوصی براساس این روش، تأسیس شده است. همین‌طور بر اساس کنوانسیون حمایت از زنان (ماده ۲۹)، کنوانسیون ضد شکنجه (ماده ۳۰) و کنوانسیون کارگران مهاجر (ماده ۹۲)، راه‌حل‌هایی نظیر داوری و مذاکره، مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفته است.

۷-۲. تحقیق و تفحص

روش تحقیق و بررسی، یک روش نظارتی پروسه‌ای به شمار می‌آید؛ این روش را روشی محرمانه تلقی کرده‌اند که به نوعی در حالت سازش با کشور مزبور، صورت می‌پذیرد. برای رسیدگی به شکایات از طرف کمیته‌ها نیز، چنین تعبیه شده است که در صورت وجود نقض جدی و سیستماتیک در مفاد معاهدات حقوق بشری به دست دولت‌های عضو، می‌توانند روش تحقیق و بررسی را به کار گیرند. بنابراین، چنین نتیجه می‌گردد که روش طرح شکایات فردی یکی از این روش‌ها به شمار می‌آید؛ و نهادهای معاهداتی زمانی می‌توانند رسیدگی را آغاز کنند، که از سوی دولت عضو، چنین صلاحیتی برای آنها به رسمیت شناخته شود.

با این تفاسیر، می‌توان چنین اذعان نمود که می‌بایست به همراه تصویب کنوانسیون ضد شکنجه یا پروتکل الحاقی کنوانسیون حمایت از زنان و همچنین پروتکل الحاقی حقوق اقتصادی-

اجتماعی و فرهنگی توسط دولت‌ها، صلاحیت نهادهای معاهداتی برای بررسی و ارزیابی در زمان‌های گوناگون، از نظر دولت عضو، مورد پذیرش واقع شود. البته طبق پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از زنان (ماده ۱۰) یا پروتکل اختیاری حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۱) و همچنین کنوانسیون ضد شکنجه (ماده ۲۸)، با درج اعلامیه‌ای این امکان را به دست می‌آورند که رأی خود به صلاحیت کمیته پس بگیرند. روند کار بدین شرح است: با طرح شکایت در کمیته، ابتدا کمیته مورد نظر با ارائه اطلاعات، دولت‌های عضو را جهت همکاری دعوت می‌نماید. برای انجام بهتر این عملیات، کمیته مبادرت به افزایش اعضای خود کرده است و جهت حصول رضایت از طرف دول مذکور، کار تحقیق و بررسی را شروع می‌نماید. در ادامه روند، یافته‌های کمیته به همراه توصیه‌هایی به دولت مزبور ارائه می‌گردد. دولت مربوطه، شش ماه فرصت ارائه پاسخ کافی یا اتخاذ هر اقدامی به کمیته را دارد.

۳-۷. ارزیابی تفاسیر عمومی

کارکردهای اجرایی مهم و اساسی در نظام حقوقی بشر، بر عهده نهادهای معاهداتی قرار گرفته است. که از جمله آن می‌توان به نظارت بر اجرای تعهدات ناشی از معاهدات حقوق بشری کشورهای عضو، پیگیری توسعه و پیشرفت آن، کمک به دول عضو برای ارزیابی و بررسی دستاوردها و شناسایی چالش‌ها و خلأهای موجود در حوزه معاهدات حقوق بشری، اشاره داشت (Alain, 2001, p.87). به عبارت دیگر، این نهادها سعی در تغییر قانون و سیاست کشورهای عضو داشته و در این راستا اقداماتی هم در سطح ملی انجام داده‌اند، ارائه تفسیر معاهدات حقوق بشری نیز، از دیگر وظایف آنها به شمار می‌آید (Anton, 1997, p.56).

نهادهای معاهداتی به ایجاد و تأسیس سازوکارهای قانونی اقدام کرده و محتوای هنجارهای حقوق بشری را مورد توجه قرار داده‌اند، به دنبال این کار، معنابخشی به حقوق فردی و تعهدات دولت‌ها دیده می‌شود. تفاسیر عمومی نمایانگر این مسئله است؛ چون تفاسیر عمومی در درک عمومی از حقوق فردی تأثیر بسزایی از خود بر جای می‌گذارد؛ هرچند که این تفاسیر الزام‌آور نیستند. اما تفاسیر عمومی کمیته‌ها علاوه بر اینکه برای دولت‌های عضو، مهم هستند؛ برای شناسایی حق نیز، ضروری و اساسی به نظر می‌رسند. این نهادها مضاف بر عملکردهای فنی و حقوقی، مکمل فعالیت‌های سیاسی دیگر بازیگران حقوق بشری، به ویژه شورای حقوق بشر نیز هستند (Dupuy, 1997, p.56).

ضروری و مبنایی بودن تفاسیر عمومی کمیته‌ها، حکایت از ضروری بودن کاربرد یک روش

مناسب جهت اعلام تفاسیر و توصیه‌های عمومی دارد. همان‌طور که در ماده‌های ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین هم آمده، استفاده از حقوق بین‌الملل عرفی از جمله این روش‌ها است که می‌توان به آن استناد کرد. بنابراین، چنین می‌توان استدلال کرد: تا زمانی که این نهادها به تفسیر عمومی منطقی، قانونی و مورد پذیرش دست می‌زنند، می‌توانند به مؤلفه‌های عدالت و حاکمیت قانون دست یابند. تفاسیر عمومی به‌زعم صاحب‌نظران حقوقی، از جمله «معتبرترین تفسیر» از حقوق یک معاهده هستند، که در ایجاد حقوق بین‌الملل عرفی به رویه حقوقی دولت‌ها کمک می‌کنند. حقوق‌دانان تفسیر عمومی کمیته‌ها را دارای بار حقوقی قابل ملاحظه‌ای دانسته‌اند و معتقدند، این کمیته‌ها هستند که می‌توان جهت تفاسیر عمومی، به آنها تکیه نمود و به‌رغم ماهیت غیرالزام‌آور تفاسیر عمومی، دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به آن به بی‌اعتنا باشند (Charnovitz, 2006, p.34).

۸. محدودیت‌های نهادهای نظارتی

هرچند سیستم مبتنی بر معاهدات به موفقیت‌هایی نسبی دست یافته، اما باز هم دارای محدودیت‌هایی بوده است و با بحران، دست و پنجه نرم می‌کند. جمیز کرافورد^۱ در پژوهشی با عنوان «آینده نظارت بر معاهدات حقوق بشری سازمان ملل متحد»، بر تعدادی از این مشکلات تأکید نموده است، که در ادامه می‌آید:

۸-۱. محدودیت در گزارش نهادهای نظارتی

۸-۱-۱. تأخیر در ارائه گزارش

تأخیر در ارائه گزارش‌ها را می‌توان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نهادهای معاهداتی شمرد، که به علت دلایل گوناگونی رخ می‌دهد. مشاهدات نشان داده است، که روند رو به فزونی تصویب معاهدات حقوق بشری در میزان گزارش‌ها، تحولی ایجاد نکرده است. در حقیقت، حجم گزارشات به حدی زیاد است که ارزیابی آنها با تأخیر صورت می‌گیرد. گاهی ممکن است یکسال یا بیشتر وصل این گزارش‌ها به درازا بیانجامد. برای مثال، طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، نزدیک به ۲۰ درصد از گزارش‌ها دریافت شده و این میزان، فقط یک سوم گزارش‌ها است. کمبود منابع و امکانات لازم در ارائه این گزارش‌ها را می‌توان از جمله دلایل اصلی این تأخیر در نظر گرفت. چالش تأخیر در ارائه گزارش‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته و کشورهایی که در معرض بلایای طبیعی

1. James Crawford

و جنگ هستند، صدق بیشتری دارد. یکی دیگر از دلایل تأخیر در ارائه گزارش‌ها را می‌توان، نبود اراده سیاسی دانست. به عبارت روشن‌تر، بسیاری از دولت‌ها برای تنظیم، تدوین و ارائه گزارش‌های مزبور، اراده سیاسی لازم را ندارند.

۸-۱-۲. تأخیر در ارزیابی گزارش‌ها

اولین و بارزترین مشکل نهادهای معاهداتی، حجم گسترده کارهای عقب‌افتاده در گزارش‌های دولت‌ها و شکایات فردی است. این مسئله (فاصله بین ارسال تا بررسی) خود موجب ایجاد مشکلات و محدودیت‌هایی می‌شود؛ تا آنجا که در سال ۲۰۰۰، حدوداً ۲۰۰ گزارش در نوبت بررسی بودند و در سال ۲۰۱۲، نهادها با انبوهی از کارهای عقب‌افتاده (بالغ بر ۲۸۱ گزارش) روبرو بودند. این مسئله نشان‌دهنده آن است، که دولت‌هایی که زمان خود را برای تهیه گزارش می‌گذارند، زمان زیادی را می‌بایست منتظر بررسی و ارزیابی و حصول نتیجه بمانند؛ این زمان حداقل به یک سال می‌رسد. نهادهای مذکور نیز، زمان رسیدگی به شکایات با حجم وسیعی از پرونده مواجه می‌گردند و خود به خود این امر، به تأخیر در ارزیابی گزارش‌ها می‌انجامد و نهایتاً تأثیر منفی خود را بر حقوق خواهان می‌گذارد؛ چرا که وی را با زمان طولانی انتظار مواجه می‌کند.

۸-۱-۳. محدودیت منابع

وضعیت مالی نهادهای نظارتی بسیار ضعیف است و تکافوی برگزاری جلسات را نمی‌دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که این کمیته‌ها، در مصیقه مالی به سر می‌برند. هرچند در این رابطه، تمهیداتی انجام گرفته است؛ برای مثال، کمیته حقوق بشر، در سال ۱۹۹۵ گروه کاری تأسیس نمود که برای توسعه منابع، حامل پیشنهاداتی بودند. اما با وجود این کارگروه نیز، فقدان منابع برای نهادهای نظارتی، مانعی بزرگ به‌شمار می‌آید و هنوز برای برطرف نمودن آن، اقدامی جدی صورت نگرفته است؛ اما بعضی از کنوانسیون‌ها چنین مؤظف شدند که تسهیلاتی برای عملکرد مطلوب‌تر تعبیه نمایند. فعالیت روزافزون ارکان نهادها می‌تواند راهی برای رسیدن به این منظور باشد. بر این اساس، در صورتی که اعضا نیز، به مانند رؤسا بتوانند جلسات سالیانه با هم داشته باشند و وقت بیشتری را با کمیته‌ها بگذرانند، می‌توانند اصلاحاتی اساسی‌تر را به وجود آورند. البته لازم به ذکر است، ترجمه اسناد نیز، زمان زیادی می‌برد و گاهاً برخی از گزارش‌ها که دارای حجم زیادی هستند، می‌بایست مدت بیشتری نیز در نوبت بمانند.

۸-۱-۴. فقدان انسجام و هماهنگی بین نهادهای معاهداتی

رشد فزاینده سیستم نهادهای معاهداتی، خود عاملی مهم برای نبود انسجام بین نهادهای

معاهداتی است (مصفا، ۱۳۸۲، ص ۵۶). مسایلی که این مسئله را شدت می‌بخشد به شرح زیر است:

الف) تناقض رویه به دلیل اختلاف در تفاسیر ارائه شده به وسیله کمیته‌ها؛
ب) گوناگونی روش کار کمیته‌ها (Bird, 2010, p.78).

کمیساریای عالی ملل متحد نیز، مشکل فقدان انسجام و هماهنگی میان نهادهای معاهداتی را از جمله چالش اساسی پیشرفت آنها دانسته و معتقد است: «رشد فزاینده نظام نهادهای معاهداتی، اگرچه مثبت ارزیابی می‌شود، اما از طرفی هم تأثیر منفی بر انسجام میان این نهادها و هماهنگی فعالیت‌های آنها دارد و این عامل باعث تضعیف و کمرنگ شدن عوامل مثبت این امر است» (Birgit, 2011, p.67).

همان‌طور که گفته شد، نُه معاهده مهم حقوق بشری با محوریت‌های مشخص و منفک وجود دارد؛ اما بعضاً مشاهده می‌شود که این اسناد، مسائل یکسانی را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهند. این در حالی است که تغییر و تحولات تاریخی و سیاسی در تصویب معاهدات حقوق بشری، نقش مهمی داشته‌اند، و این عامل بر تفاسیر حقوقی موجود در معاهدات هم تأثیرگذار است. بنابراین، امکان اختلافات صریح یا ضمنی بین مقررات مزبور، در اسناد گوناگون پذیرش شده، در ادوار گوناگون است. بر فرض که نهادهای معاهداتی، در زمینه مقررات مشابه، رویکردی هماهنگ داشته باشند، باز هم امکان تفاوت وجود دارد.

دلیل اصلی این تفاوت‌ها، «گرایش اجتناب‌ناپذیر» نهادهای معاهداتی برای در برگرفتن همه موارد صریح و ضمنی، در بررسی و ارزیابی گزارش‌های دولت‌ها که احتمال دارد در اجرای معاهدات پیش آید، است (Elizabet, 1996, p.12). با این تفاسیر روند رو به فزون در نهادهای معاهداتی، خود عاملی در ایجاد عدم هماهنگی و انسجام است و همکاری، توجه و دقت بیشتر را می‌طلبد (شیرمحمملو، ۱۳۹۲، ص ۲۰). در نتیجه، وجود نهادهای معاهداتی مستقل (هفت نهاد)، موجبات تفاسیر مختلف را ایجاد کرده است و این مسئله می‌تواند، عدم اطمینان را در حوزه مفاهیم و استانداردهای اساسی و پایه‌ای حقوق بشر پدید آورد و این امر، تهدیدی در راستای تفسیر مفاهیم حقوق بشری است.

۸-۱-۵. استقلال و استفاده از افراد متخصص در نهادهای معاهداتی

از جمله ویژگی‌های مهم و اساسی نهادهای معاهداتی، استقلال اعضای آن است؛ اما این امر یکی از چالش‌های مهم پیش روی آنها نیز به شمار می‌آید. هر چند این استقلال گاهاً موجبات

سوءاستفاده از مقام در کمیته مربوطه شده است، که با اصل بی‌طرفی و استقلال آنها تناقض دارد. لویی آربور^۱ -کمیسر عالی ملل متحد- در این زمینه معتقد است: «نهادهای معاهداتی از نظر کارشناسان و استقلال آنها، توزیع جغرافیایی، نمایندگی سیستم‌های عمده حقوقی و توازن جنسیتی، کاملاً نامتعادل هستند». همچنین در سمینار بین‌المللی کارشناسان در ارتباط با تقویت سیستم نهادهای معاهداتی صراحتاً بیان شد: «ابزارهایی که به وسیله آن، کاندیداها برای نهادهای معاهداتی انتخاب می‌شوند که معمولاً در سطح ملی و به وسیله دول عضو انتخاب می‌شوند، می‌تواند تا حد زیادی بهبود یابد» (شجاعی باغینی، ۱۳۹۵، ص ۴۵).

مسئله استقلال نهادهای معاهداتی را می‌بایست از دو جنبه مهم مورد بررسی قرار داد:

الف) فرایند انتخابات؛

ب) اعمال اختیارات مربوطه به وسیله کارشناسان نهادهای معاهداتی.

بی‌تردید برای حصول اطمینان از تجربه، تخصص، استقلال و بی‌طرفی اعضای نهادهای معاهداتی، انتخاب و انتصاب کارشناسان می‌تواند، نقشی بس سترگ را ایفا نماید. البته در حوزه اجرای وظایف و استقلال نهادهای معاهداتی نگرانی‌هایی در مورد نوع رفتار اعضاء و وضعیتی که نشانگر زیر سؤال رفتن استقلال این نهادها است، وجود دارد؛ که می‌توان این امر را ناشی از تعارض منافع در نظر گرفت. در نتیجه، مشخص نمودن شرایطی که عموماً در پی تعارض منافع پیش می‌آید، ضروری است (Bianchi, 2011, p.32). قابل ذکر است، که روش کاری بسیاری از نهادهای معاهداتی از دلایل ایجاد تعارض منافع است. معمولاً در این روش، کمیته‌ها در زمینه تعارض منافع بالقوه بدین صورت عمل می‌نمایند که اگر ایجاد سوءظن نسبت به یکی از اعضا باشد، آن عضو از بررسی و ارزیابی گزارش‌ها و بررسی آن‌ها منع می‌شود. بنابراین، در صورت وجود تعارض منابع، کمیته‌ها استقلال خود را در قالب یک نهاد، تأیید می‌نمایند.

۹. حقوق بشر و رابطه آن با قواعد امری

محدودیت آزادی فردی در قراردادها، به وسیله منافع عمومی به عنوان یک قاعده کلی در سیستم حقوق داخلی محسوب می‌شود. بر این اساس، به دلیل اهمیت نظم عمومی در جامعه، این قاعده نباید از مرزهای نظم اجتماعی عبور کند. اما این مقررات و قواعد می‌بایست در نظام حقوقی

1. Louie Arbor

بین‌المللی نیز کاربردی باشد (Edwards, 2010, p.87). با این حساب، چنین مشاهده می‌شود که به طور افزایشی، محدودیت در آزادی عمل دولت‌ها احساس گردد. امروزه اتکای دکترین در راستای بیان دغدغه‌های موجود در حوزه نظم عمومی بین‌المللی، مربوط منافع و نگرانی‌های مشترک بشریت است. قواعد امری، انعکاس‌دهنده ارزش‌های مشترک بشریت هستند و برای همه اعضای جامعه بین‌المللی غیرقابل تخطی‌اند.

ارتباط این مقررات با تعهدات حقوق بشری و اثر آن بر اقدامات متقابل و زمان نقض این تعهدات، قواعد امری را حائز اهمیت می‌کند. مسئله قابل ملاحظه این است که آیا می‌توان گفت حقوق بشر و تعهدات ناشی از آن، قاعده‌ای امری هستند؟ با توجه به اینکه سرچشمه این دو در حقوق طبیعی، از اولین دلایلی است که برای ارتباط حقوق بشر و قواعد امری ایجاد شده است. در تألیفات گروسیوس^۱، مشاهده می‌شود که، واتل و ولف^۲، میان قوانین اختیاری و قوانین امری تمایز قائل شده‌اند (Hufbauer & et al., 2011, p.20). همه این مقررات، با حقوق بشر در ارتباط‌اند. در حقیقت، درست است که تعهدات حقوق بشری، تعهداتی هستند که دولت‌ها رضایت می‌دهند تا در قلمرو خود، ملزم به رعایت آن باشند و نشان‌دهنده برابری حاکمیت آنهاست، لکن اجرای حقوق بشر قادر است به سطح قواعد آمره برسد و مرزهای حاکمیتی دولت‌ها را بپیماید.

در اینجا می‌بایست معیارهای جدیدی به منظور شناسایی قواعد امری در نظر گرفته شود. عمومیت، انتشار، امکان‌پذیری، شفافیت، دوام، ثبات، برابری اخلاقی، دقت، امنیت برابر و حاکمیت قانون را در زمره این مؤلفه‌ها می‌دانند. با در نظر گرفتن این معیارها، می‌توان چنین پنداشت که بیشتر قواعدی که در معاهدات چندجانبه حقوق بشری آمده‌اند، شرایط لازم برای امری بودن را دارا هستند. مجموعه‌ای از این قواعد که به قواعد آمره مبدل گشته‌اند، توسط مارتین^۳ جمع‌آوری شده است. قواعد حقوق بشری امری در رویه قضایی بین‌المللی قرار دارد و هرچند محدود، اما، مورد تأکید دیوان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. در نهایت در نظریه کلی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر، کامل‌ترین فهرست در مورد موقعیت اضطراری بیان شده است (Blitt, 2004, p.13).

1. Grosius

2. Wattle & Wolff

3. Martin

۱۰. حقوق بشر و رابطه آن با تعهدات فراگیر

به جز قواعد امری، اصطلاحات دیگری هم وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه رفیع و با ارزش این حقوق است. از جمله این مفاهیم تعهدات فراگیر (ارگامنس)^۱ است. بنابراین، دولت‌ها بدون نیاز به اثبات زیان فیزیکی، به منفعت حقوقی دست می‌یابند. با دقت در این رأی مشاهده می‌شود که، نخستین نمونه‌های تعهدات فراگیر، تعهداتی هستند که به حقوق اساسی بشر مربوط می‌شوند. هرچند این تعهدات در سلسله مراتب مقررات قرار داده شده‌اند، اما می‌توان گفت این تعهدات، برای حمایت از منافع جامعه بین‌المللی، پدیدار شده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی بارسلونا ترکشن^۲ به اهمیت حقوقی این تعهدات اشاره می‌کند؛ که این امر، نشانگر جایگاه والای این تعهدات است. در همین راستا، ماده ۴۸ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ را می‌توان تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل در جهت اثربخشی به اظهارنظر دیوان در جریان بارسلونا ترکشن تلقی نمود (Buhm Suk Baek, 2008, p.12).

۱۱. نتیجه‌گیری

به هیچ‌وجه این امکان وجود ندارد که بتوان برای اجرای استاندارد حقوق بشری، سازوکارهای بین‌المللی را جایگزین اقدامات ملی کرد. نخست، اجرای حقوق بشر می‌بایست در سطح ملی و محلی باشد؛ چرا که سازوکار نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی دارای چالش‌ها و ایراداتی هستند که تلاش بی‌وقفه جهت رفع آن را طلب می‌کند. از این‌رو، تقویت این نهادها را می‌توان یکی از مهم‌ترین راه‌چاره در نظر گرفت. بنابراین، در راستای نتایج پژوهش و برای تقویت این نهادها، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد. جهت انطباق و هماهنگی در حل و فصل مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی، ایجاد جلسات بین‌کمیته‌ای بین اعضا و رؤسا پیشنهاد می‌شود. در قالب پیشنهاد دیگر، اصلاح ساختار نهادهای معاهداتی را می‌توان ارائه داد؛ که این پیشنهاد به دست دبیرکل با موضوع «سازمان ملل؛ برنامه کاری برای تغییر بیشتر»، کارایی بالاتری را نشان می‌دهد. همان‌طور که در واکاوی بحث اشاره شد، موضوع تأخیر و عدم ارسال گزارش‌ها در ارزیابی آنها، مهم‌ترین عامل تضعیف نهادهای معاهداتی است؛ در نتیجه نیاز به همکاری بیشتر میان نهادها در بررسی گزارشات و استانداردسازی گزارشات مشاهده می‌شود.

1. Ergaomense

2. Barcelona traction

منابع

- ذاکریان، مهدی؛ مختاری، بهروز (۱۳۹۳). تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر. *سازمان‌های بین‌المللی*، ۲(۶)، ص ۶.
- راعی، مسعود (۱۳۹۱). حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی و فقه. *معرفت حقوقی*، ۱(۳).
- شجاعی باغبینی، زهرا (۱۳۹۵). *مقایسه عملکرد کمیسیون و شورای حقوق بشر در رابطه با جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم سیاسی. دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- شیرمحمدلو، صابر (۱۳۹۲). *بررسی و ارزیابی دو نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از حیث ماهیت، پیوند متقابل و ضمانت اجرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲). *معاهدات حقوق بشری فضایی متفاوت. حقوقی بین‌المللی*، شماره ۲۸.
- مصفا، نسرین (۱۳۸۲). *ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات. مدرس علوم انسانی*، شماره ۳.
- هانشمی، سید محمد (۱۳۹۰). *ایجاد سازوکارهای بین‌دولتی حقوق بشری: بررسی فعالیت‌ها در حوزه اتحادیه عرب*. سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد. *سیاست خارجی*، شماره ۳۸.
- Alain, P. (2001). *The New Draft Articles of the International Law Commission on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: A Requiem for States' Crime?* Netherlands Yearbook of International Law, Vol. 32, p.75.
- Anton, D. (1997). Lowenberg, "Why South Africa's Apartheid Economy Failed". *Contemporary Economic Policy*, Vol. XV, p. 62-7.
- Baek, B.S. (2008). *Economic Sanctions against Human Rights Violations*. Coronell Law School Inter-University Graduate Student Conference Papers.
- Bavishi, R. (2012). *Procedural Issues Related to the ICJ's Advisory Jurisdiction*. URL= <https://legalresponse.org/wp-content/uploads/2013/09/BP41E-Briefing-Paper-The-ICJ-Advisory-Opinion-Procedure-11-June-2012.pdf>
- Bianchi, A. (2011). *The Fight for Inclusion: NonState Actors and International Law: From Bilateralism to Community Interest Essays in Honour of Bruno Simma*. London: Oxford.
- Bird, A. (2010). Third State Responsibility for Human Rights Violations. *EJIL*, 21(4), p. 884.
- Birgit, P. (2011). *Aspects of Human Rights Interpretation by the UN Treaty Bodies*. University of Rostock.
- Blitt, R.Ch. (2004). Who Will Watch the Watchdogs? HR NGOs and the Case for Regulation. *Buffalo Human Rights Law Review*, Vol.10.
- Charnovitz, S. (2006). NGOs and International Law. *The American Journal of International Law*, 100(2).
- Dupuy, A. (1997). *Haiti in the New World Order: The Limits of Democratic Revolution*. Boulder, Colo.: Westview Press.
- Edwards, G.E. (2010). *Assessing the Effectiveness of Human Rights Eighteenth meeting of*

- chairpersons of the human rights treaty bodies*. Geneva, p.22-23.
- Elizabeth, G. & Richard, G. (1996). The Impact of Economic Sanctions on Health and Human Rights in Haiti. *American Journal of Public Health*, 89(10), p. 1499.
- Hufbauer, G.C., H., Schott, J.J., Muir, J. & Cosic, M. (2011). *Case Studies in Economic Sanctions and Terrorism (Australia, Canada, EU, Japan, NATO, UN, US v. Libya)*. URL= <https://www.pii.com/sites/default/files/publications/papers/sanctions-libya-2011.pdf>
- Joseph, H. (1990). Successes and Future Prospects of Sanctions against South Africa. *Review of African Political Economy*, Vol. 47, p. 84-96.
- Meernik, J. (2012). The Impact of Human Rights Organizations on Naming and Shaming Campaigns. *Journal of Conflict Resolution*, Vol.6, No.2.
- Newman, D. & Frank, M. (1991). *Training Manual on Human Rights Monitoring: Professional Training Series No.7*. Geneva, Human Rights Publications.
- Squatcher, A. & Oliver, V. (2010). The UN Human Rights Special Rapporteurs and the Impact of their Work: Some Reflections of the UN Special Rapporteur for Cambodia. *Asian Journal of International Law*, 6(1).
- Upton, H. (2007). *Towards Implementation: an analysis of the universal periodic review mechanism of the Human Right Council*. URL= www.UPR-info.org/Img/PDF/TowardsImplementation-by-HelenUpton.pdf (accessed November 2, 2007).